

تعارف

ماهنامه دانشجویی | سال دوم | شماره هفدهم
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

همان گونه که نیروهای مسئول باید آراسته به فضایی باشند و محاسنی را برای خدمت بهتر به جامعه کسب نمایند و برابر آن رفتار کنند. لازم است از رذائل و رفتارهای ناپسند دور باشند و خود را از آنها پیراسته نمایند، تا گرفتار هوای نفس نگردیده و حقوق مردم را ضایع نمایند. به آنها ستم نکنند و از عهده انجام درست وظایف و مسئولیت هایی که به عهده گرفته اند بر آیند.



سخن سر دبیر

خرداد پرماجرا.

خواستم طبق قاعده هر شماره، موضوعات روز را برای نگارش سرلوحه قرار دهم، اما سالگرد دوم خرداد چیزی نبود که بتوانم به راحتی از کنارش عبور کنم، روزی که سرخط بسیاری از تکرارهای تفکرانی است که اکنون گریبان گیرمان شده.

دوم خردادی که دوقطبی هایی را رقم زد که آفت جامعه بود و با گفتمان و سیاست های درهای باز، ایران را از ایرانی گرفت. دوم خردادی که هنوز هم سایه تکرار هایش نمایندگان سلفی بگیر را روانه خانه ملت میکند. دوم خردادی که... بگذریم.

دوم خرداد هفتاد و شش بود که خبر رای ۲۰ میلیونی آقای خاتمی، به جهان مخابره شد.

خبر این انتصاب نه تنها برای مردم ایران که برای جهان قابل توجه بود.

خرداد پرماجری که میراثش شد اعتماد به کدخدا و خلع سلاح به امید گوشه چشمی از نور چشمی های کدخدا...

دوم خردادی که میراثش توصیه نوشیدن جام زهر را به مرادمان داد.

دوم خردادی که سنگر به سنگر تا فتنه در قلب پایتخت پیش رفت و جوانانمان را به خاک و خون کشاند.

این شماره از بی تعارف، خون دل های ناصحانی را واگویی می کند که هیچگاه فریادشان شنیده نشد.

ناصرانی که از دل مردم و در کنار مردم، فشار اقتصادی و لگدمال شدن عزت ملی شان را نه از بلندای دزاشیب و ولنجک بلکه با گوشت و پوستشان حس می کردند.

به حکم مرادمان بیش از این گله نمی کنیم.

هنوز هم برای جبران دیر نیست.

به قول رییس جمهور محترم «بگذارید که فضای خدمت برای همه ایرانیانی که دل در گرو این مرز و بوم دارند باز شود» بگذارید که شایستگان به ملت خدمت کنند» بگذارید که سینه ها از کینه ها پاک شود».



مرد هزار چهره

پذیرش آن مجبور به تحریم نهاد هایی از این دست هستیم! مگر نه آن است که اسرائیل شر مطلق است و غده سرطانی منطقه؟

چه طور می توان در حرف، موافق با آن بود لکن با تصویب ۲۰ دقیقه ای برجام و بستن دهان وهل دادن مخالفان در صحن علنی مجلس و تصویب پالرمو، درست عکس آن عمل کرد! گویا آقای لاریجانی این سیاست یکی به نعل زدن و یکی به میخ خود را که در بین رجال سیاسیمان کم طرفدار هم نیست، کمی شور کرده است. این همه تناقض را حتی علی الظاهر هم نمی توان با هم جمع بست!

حجت الاسلام محمود رجبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اعلام می کنند که لایحه FATF قراردادی استعماری است که هدف طراحان آن بیشتر سلطه بر ایران است. به همین مناسبت جلسه ای درباره زبان های تصویب لایحه FATF، با ریاست آیت الله یزدی برگزار شد. متأسفانه علی رغم توضیحات اعضای جامعه مدرسین درباره عواقب تصویب این لایحه، آقای لاریجانی موافق تصویب FATF بود. این موافقت چه چیز را می رساند؟

وقتی ایشان برجام را در ۲۰ دقیقه تصویب می کند و حتی اجازه صحبت به مخالفان را نمی دهد و وقتی طرح سوال از رئیس جمهور را از دستور

که در یک کلام فروش اطلاعات بانکی در برابر وعده نسبی است. با پذیرش این قرارداد و اطلاع از شیوه هایی که ایران از طریق آن ها تحریم های بانکی را دور می زده و تا به حال برای آن ها حفره اطلاعاتی به حساب می آمده، وسیله ای می شود برای فشار بیش تر بر کشور؛ قرار دادی که بانک های سپه و ملت در آن موظف شده اند تا به قرارگاه خاتم الانبیا خدماتی ارائه نکنند. لایحه ای که با پذیرش آن نهاد های دفاعی مثل وزارت دفاع، قرب نوح، خاتم الانبیا و ... در معرض خود تحریمی قرار می گیرند.

چه طور می توان تا دیروز قراردادی را بررسی کرد که به خاطر حمایت از مظلومین و تجمعاتی مثل راهپیمایی روز قدس، به عنوان تروریسم در لیست سیاه آن قرار داریم و امروز در روز قدس سخنران همان مراسم بود!

چه طور می توان مدعی بود ملت ایران همواره برای حمایت از فلسطین پیشگام بوده است اما لایحه ای را در آستانه تصویب قرار داد که حامیان فلسطین را تروریسم می داند!

چه طور می توان از کشتارهای اسرائیل اعلام انزجار کرد اما صحبت از پذیرش قراردادی کرد که اسرائیل از ناظران آن است! چه طور می توان نهاد های عملی در دفاع از محرومین را ستایش کرد اما درباره قراردادی نظرخواهی کرد که به تبع

روز قدس، راهپیمایی، خطبه های نماز جمعه و سخنرانی قبل از آن، انتخابات مجلس، لابی گری ها و حاشیه هایش، جلسات بررسی لایحه FATF، نظرات نمایندگان و اظهارات مخالفینش، همگی از تیتتر های مهمی بودند که این چند هفته اخیر در راس اخبار بار ها و بارها تکرار شدند. تیتتر هایی که حلقه وصال بین آن ها آقای لاریجانی است.

سخنرانی امسال ایشان پیش از خطبه های نماز جمعه روز قدس، سراسر از تایید مشی جمهوری اسلامی در حمایت از مظلوم، برائت از استکبار و شور بود. هر چند صحبت های ایشان از نظر اصول اساسی انقلاب، نطق های ارزشمندی به حساب می آمد و هر چند ما به صحبت های انقلابی و رفتار های خلاف جنابشان عادت کرده ایم اما یکی به نعل زدن و یکی به میخ خیلی برای ایشان برکت آفرین بوده که این بار با چنان جسارتی سخنرانی می کردند که اگر ندانیم این سخنرانی کوبنده از طرف کیست، صاحب قول آن را قاسم سلیمانی یا عزیز جعفری تصور می کنیم! این در حالی است که آقایان مجلسی تا چند روز قبل، سرگرم بررسی لایحه FATF بودند. لایحه ای که با پذیرش آن مجبور به پیاده کردن نقشه ای در کشور هستیم که این سازمان به عنوان یک کشور تروریسم برای ما وضع کرده است. لایحه ای

آنچه بی تعارف خواهید خواند:

جاسوس بازی:

عامل نفوذی سیا رئیس جمهور برزیل شد.

۲ ادوار دو که مهدی شد!

۳ فوعه و کفر یا خود تحریمی!

۳ نشست شیاطین اخبار منطقه

پیر مرد نان و ماست خور

۴ جنایت و مکافات:

پل هاربر، پرده آخر

کار مجلس خارج می کند و کوچکترین توجهی به نظرات افراد و جریانی که تا این اندازه به آن ها مدیون است ندارد، در این شرایط آیا نباید برای نماینده اصلاح طلبی که امید صهیونیست ها و براندازهاست و در مجلس صادقانه به دنبال جام زهر و رفع حصر است، شرف بیش تری قائل شد تا نماینده اصول گرایی که امید مردم ولایتمدار و انقلابی است اما منافقانه به هر طرح و سند ننگینی علیه مملکت رای می دهد؟

در این بین توجه به این نکته هم ضروری است که ابقا ایشان در مسند ریاست مجلس در حالی بود که اگر حاجی بابایی در دور دوم به نفع او کنار نرفته بود، عارف با اکثریت نسبی آرا، ریاست مجلس را بدست می آورد. در واقع این ولایی ها بودند که با رای خود، لاریجانی را بر کرسی ریاست نشانده و ابقا ایشان بر کرسی ریاست مجلس، مدیون جریان ولایی مجلس شورای اسلامی است.

در نهایت جز تاسف به حال مجلسی که بهترین گزینه ریاست بر آن از نظر نماینده های انقلابی اش ناچرا ایشان است، به نتیجه دیگری نمی توان رسید. فردی که با رای انقلابی های مجلس همچنان بر مسند خود باقی می ماند و این چنین به اصول انقلاب لگد می زند!



وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان ها و دانشگاه ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.



افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. سمت مورد نظر عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله، همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد.



جاسوس بازی



عامل نفوذی سیا رئیس جمهور برزیل شد.

چندسالی هست که آمریکا درگیر و دار روی گردانی کشورهای آمریکای لاتین که به حیات خلوت این کشور شهرت دارند، قرار دارد. ونزوئلا، کوبا و برزیل سه کشور مطرحی هستند که در چندین سال گذشته همسو با سیاست‌های واشنگتن حرکت نکردند. به همین منظور آمریکا، تشدید فشارهای اقتصادی در ونزوئلا، عادی سازی روابط با کوبا، به منظور نمایش قدرت در عرصه سیاست خارجی، و نفوذ در ساختار برزیل و تغییر رئیس جمهور در این کشور را در دستور کار قرار داد.

برکناری دیلماروسف از ریاست جمهوری و معرف میشل تامر، عامل نفوذی سیا، به عنوان رئیس جمهور جدید برزیل مهمترین برنامه ای بود که مقامات واشنگتن در قبال برزیل اتخاذ کردند.

میشل تامر کیست؟

سایت افشاگری ویکیلیکس، اسنادی از جاسوسی «میشل تامر» رئیس جمهور موقت برزیل برای سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، منتشر کرده است. بنابراین گزارش، ویکیلیکس با انتشار دو سند از مکاتبات محرمانه بخش اطلاعاتی سفارت آمریکا در برزیل، از جاسوسی میشل تامر رئیس جمهور جدید این کشور برای سازمان سیا در سال ۲۰۰۶ پرده برداشته است. این مکاتبات به جلسات وابسته اطلاعاتی سفارت آمریکا در برزیل با میشل تامر مربوط است.

در پی تعلیق مسئولیت دیلماروسف از مقام ریاست جمهوری، ساعاتی پس از آنکه سنای برزیل خواستار برکناری موقت دیلماروسف چپگرا از مقام ریاست جمهوری به دلیل نقض قوانین بودجه شد، میشل تامر به عنوان رئیس جمهوری موقت برزیل نطق ملی ایراد کرد و خواستار حمایت مردم از دولت «نجات ملی» خودش شد. وی به مردم برزیل گفت که اطمینان داشته باشند که می‌توانند بر بحران کنونی غلبه کنند؛ بحرانی که رکود شدید، ناآرامی سیاسی و رسوایی فساد به بار آورده است.

این در حالیست که روسف پس از تعلیق ۶ ماهه از سوی مجلس سنا ۴ ماه پیش درباره تامر گفته بود: «دولت موقت میشل تامر را قبول ندارد و تامر خائن است». روسف رسماً برکنار و تامر رسماً رئیس جمهور برزیل شد.

ادواردو که مهدی شد!



همه چیز برای او از روزی شروع شد که کنج کتابخانه ی دانشگاه «پرینستون» نیویورک، قرآن را باز کرد و با خواندن چند آیه، در این که آن کتاب نوشته ی بشر باشد، تردید کرد. سال‌ها در زمینه ی ادبیات مدرن، فلسفه، مذاهب و عرفان های شرقی تحصیل کرده بود. تورات و انجیل را از بر بود ولی برای او مطالب قانع کننده ای نداشتند. بعد از خواندن قرآن بدون مشورت با کسی تصمیم گرفت مسلمان شود و این آغاز سال های سخت زندگی آرمانی ادواردو بود؛ آغاز جدایی او از پدرش جووانی آنیلی، مولتی میلیاردر ایتالیایی و مادرش پرنسس یهودی، مارلاکاراچیلو. خانواده ای که ثروت آن‌ها فوق درآمدهای نفتی ایران بود! باشگاه فوتبال یوونتوس، کارخانه ماشین سازی فیات، فراری، اوبکو، لامبورگینی و ده‌ها کارخانه و روزنامه ی دیگر، تنها بخشی از ثروت آن‌ها

بود؛ خانواده ای با در آمد سالانه ۶۰ میلیارد دلار؛ ولی هیچ کدام از این امکانات نمی توانست ادواردو را از تصمیمش منصرف سازد. ۳۱ فروردین سال ۱۳۵۹ زندگی ایدئولوژیک ادواردو به زندگی ایمانی او اضافه شد. رخدادی که رنج های ادواردو را مضاعف می کرد. این بار از تلوزیون ایتالیا مناظره ی جوانی ایرانی، محمد حسن قدیری ابیانه، با خبرنگاران آمریکایی، عراقی و ایتالیایی را مشاهده کرده بود. مناظره ای که آغاز آن این گونه بود: «به نام خداوند بزرگ تر از ناو های آمریکا» و ماحصل آن، دوستی ادواردو با آن جوان و سفر به

ایران بود. سفری که در طول آن زیارت مستقیم امام خمینی (ره) برای ادواردو فراهم شد. خمینی که تمام تجملات برایش هیچ بود، در تاریخ ماندگار شد که پیشانی جوان میلیاردر ایتالیایی را بوسید.

نام «مهدی» را برایش انتخاب کردند. از امام انقلاب برای زحماتش جهت استقرار جمهوری اسلامی تشکر کرد. در سفری که به مشهد داشت، خواسته اش از امام (رضاع) نزدیک شدن دوباره ی او به پدرش بود؛ خواسته ای که در قامت یک آرزوی دیرین باقی ماند.

از وارث خاندان آنیلی صرفاً یک

اسم باقی مانده بود. هزینه های یک زندگی تحت ایدئولوژی، خانواده ی آنیلی را مصمم کرده بود ادواردو را در حد نداشتن کرایه تاکسی، تحت فشار قرار دهند! ارثیه ی او به اعضای یهودی خانواده برسد و نهایت تلاش را جهت دیوانه جلوه دادن او انجام دهند. می خواست به قم برود، عربی یاد بگیرد، هر روز مسلمان تر از دیروز شود ولی یکی از روزهای نوامبر سال ۲۰۰۰ زندگی او به

نحوی که هیچ گاه مشخص نشد- بلکه تلاشی هم برای کشف علت مرگ او انجام نشد- ناگهان پایان یافت. جسد ادواردو آنیلی در بزرگراه تورینو-ساوانا در شمال ایتالیا و در نزدیکی شهر تورین پیدا شد.

«وَسَلَامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَیَوْمَ یَمُوتُ وَیَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا». و درود بر او روزی که زاده شد و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود.

و سلام بر کسانی که از خود برای ایدئولوژی مقدس اسلام هزینه می کنند نه از سفره ی اسلام و مسلمین برای خود!

نفوذ در چشم هالیوود



را خارج از کشور بزند، روی آنها سوار شود تا زمانی که پای عامل انتحاری به داخل مرز رسید، تیم های عملیات ناجا بتوانند قیچی کنند و پای عامل ترور به مترو و میادین اصلی شهر نرسد که اگر برسد خیلی از این روشنفکرها باید در صف تشخیص هویت جسد های له شده زیر دست و پا در مترو قرار بگیرند!

حالا چطور این قانون باطل و منحنی که در تضاد با منافع امنیت ملی ماست، در این کشور به برای تصویب به مجلس می رود؟

امیرالمؤمنین علی(ع) در یک حدیث نقل به مضمون این جریان را تئوریزه می کنند و می فرمایند: باطل زمانی در جامعه شیوع پیدا می کند و منتشر می شود که به خودش رنگ حق زده باشد! نفاق و الحاد باطل را کادوپیچ می کنند و تحت لوای حق به خورد ملت می دهند.

ایران را بزند، می تواند رد تمام شرکت ها، بانک ها و اشخاص مرتبط با ایران و سپاه پاسداران را در تمام نقاط جهان بزند و آنها را شناسایی، تحریم و در آنها نفوذ کند. بدین منظور "FATF" امتیاز داده شده به موازات برجام برای سهولت ردیابی و

عدم دستیابی متحدینی مثل حزب الله لبنان به مراودات مالی ایران است. در برنامه ی نفوذ و استحاله از درون! همانطور که می دانید برای شکار یک عامل انتحاری در لب مرز، نیاز به یک سیستم و نظام اطلاعاتی در خاک همسایه وجود دارد که رد تروریست ها

در قسمتی از سریال اطلاعاتی-امنیتی «هوم لند»، محصول ۲۰۱۱، که هالیوود به سفارش سازمان سیا و در حوزه سینمای استراتژیک ساخته است، به طور علنی مأمور ارشد سیا در میز ایران، به این نکته اشاره می کند که اگر سیا بتواند رد تراکنش های مالی متحدین



حتی اگر در تمام آمریکا مسجد بسازند، هیچ وقت شعار مرگ بر آمریکا را فراموش نکنید، زیرا آمریکا همان شیطان بزرگ است.



.... اگر بخواهیم برای جنایات آمریکا، فهرست تهیه کنیم، کتاب میشود.



اخبار منطقه



■ وبگاه دبکافیل به نقل از منابع سوری گزارش داد نظامیان رژیم صهیونیستی در نقاط مختلفی از مرز سوریه و لبنان مستقر شده‌اند و جنگنده‌های آنها نیز مشغول گشت‌زنی در منطقه هستند.

■ تظاهرات چند روزه مردم اردن در اعتراض به افزایش بهای سوخت، سرانجام به استعفای نخست‌وزیر منجر شد.

پوتین قانون وضع تحریم‌های متقابل علیه آمریکا و متحدانش را امضاء کرد.

■ نخست‌وزیر ترکیه: ایران، ترکیه و روسیه برای حل بحران سوریه همکاری می‌کنند. حضور خود را در شمال عراق، دو برابر کرده‌ایم. ما دقیقاً ۱۱ پایگاه در اختیار داریم.



Financial Action Task Force on Money Laundering



خودتحریمی!

ایران با نظام مالی جهانی، تمام تلاشش را کرده بود که جلوی هرگونه صادرات و واردات از ایران را بگیرد (حصر کامل اقتصادی). ایران نیز برای کسب پول حاصل از فروش نفت و واردات کالاهای ضروری مجبور بود که تحریم‌های چندجانبه‌ی مالی را دور بزند. از این‌جا بود که FATF به‌عنوان گروه ضربت اقدام مالی در روند مذاکرات ایران و غرب ظاهر شد تا جلوی این دست فعالیت‌های ایران را هم بگیرد و بر اطلاعات اقتصادی ایران اشراف کامل داشته باشد.

سیگال مندلر هم جهت کسب اطلاعات مالی تاکید کرده بود که ایران را برای اجرای طرح FATF مسئول نگه می‌داریم و اگر ایران نتواند تعهدات خود را در قبال این طرح انجام دهد به فهرست سیاه FATF بازمی‌گردد. پیوستن به FATF یک اشتباه استراتژیک است که امنیت ملی ما را هدف قرار داده است. دولت با پذیرش این قرارداد باعث می‌شود که اطلاعات اقتصادی را به گروگان ببرند. بپذیرش FATF ما در حقیقت یک خودتحریمی علیه نیروهای انقلاب را رقم می‌زنیم.

هدف FATF حداقل راجع به ایران پول‌شویی نیست، بلکه گرفتن اطلاعات اقتصادی گسترده از نهادهای اقتصادی ایران است. زمانی که شما اطلاعات اقتصادی بیشتر به آن‌ها می‌دهید، آن‌ها از این موضوع جهت تحریم‌های مدنظر خود و فشار بیشتر استفاده می‌کنند، هرچقدر با این نهاد بیشتر همکاری کنیم، اطلاعات بیشتری خواهیم داد و راحت‌تر تحریم می‌شویم. علت واقعی حضور FATF این بود که آمریکا از سال ۱۳۹۱، ۲۰۱۲ میلادی، با حذف U-Turn از مراودات

«گروه ضربت اقدام مالی» یا «FATF» به‌عنوان یک سازمان بین‌دولتی از سال ۱۹۸۹ میلادی با مصوبه‌ی هفت کشور صنعتی یا «گروه هفت G7» تشکیل شده است. این نهاد ذیل «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» در فرانسه فعالیت می‌کند. وظیفه‌ی گروه ضربت اقدام مالی، تنظیم استانداردها و ارتقای مؤثر سنجه‌های قانونی و اجرایی برای مبارزه با پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و دیگر تهدیداتی است که از زاویه‌ی نگاه آمریکایی‌ها یک پارچگی سیستم مالی نظام سلطه را تهدید می‌کند.

نکته‌ی مهمی که باید به آن توجه داشت این است که در این سازمان مفاهیمی مثل پول‌شویی یا تروریسم می‌بایست با عینک آمریکایی نگریسته شود. به عنوان مثال جنبش‌های مقاومت مثل حزب الله لبنان، یا سازمان‌های نظامی مانند سپاه پاسداران از نگاه آمریکا، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی محسوب می‌شوند اما کشور فاسدی چون عربستان سعودی که مادر تروریسم افراطی در جهان است، به عنوان یکی از سالم‌ترین کشورها شناخته می‌شود!!

فوعه و کفریا



تلفاتی که حملات خمپاره‌ای و تک‌تیراندازان از مردم این دو شهر می‌گیرند، بسیار کمتر از آمار آسیب‌دیدگان ناشی از کمبود مواد غذایی و دارویی در فوعه و کفریا است.

نه غذای مناسبی در فوعه و کفریا برای خوردن وجود دارد و نه آب سالمی برای آشامیدن. نه سوختی برای گرم شدن و نه داروی کافی و مناسبی برای درمان. کمک‌های اندکی هم که به این دو شهر می‌رسد نیز جز چند هفته دوام نمی‌آورد.

بیماری‌های مختلف به دلیل مصرف آب و غذای ناسالم در این دو شهر شایع شده و بیمارستان کوچک فوعه نیز به دلیل عدم وجود امکانات اولیه، از درمان مردم عاجز است. حتی سرم کافی برای کنترل علائم اولیه بیماری وجود ندارد.

بر اساس اخبار دریافتی از داخل فوعه، جیره غذایی هر فرد برای چهار روز، یک و نیم قرص نان است! کودکان هم در این دو شهر بسیاری از میوه‌ها و غذاها را فراموش کرده‌اند.

بازرسان سازمان ملل تاکنون چندین بار برای ارزیابی اوضاع وارد مضایا و زبدانی شده‌اند؛ در حالی که حتی یک بار هم تاکنون مسلحین اجازه چنین کاری را به عوامل سازمان ملل نداده‌اند.

آنچه مسلم است این است که جامعه بین‌المللی چشم خود را بر روی این دو شهرک بسته است، حال آن که در فوعه و کفریا جرم بین‌المللی نسل‌کشی در جریان است.

بر اساس مصاحبه‌های منتشر شده توسط سران تروریست‌ها در سوریه، هدف اصلی برای گروه‌های محاصره‌کننده، از بین بردن مردم فوعه و کفریا به جرم عقایدشان است. در حقوق بین‌الملل نسل‌کشی به معنی «هرگونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیکی است»؛ یعنی همان چیزی که در فوعه و کفریا در جریان است.

تحلیل مهمان:

نشست شیاطین (علی مختارزاده)



■ **موسسه سوفان:** در صورت نجات برجام، این غیروپایی‌ها هستند که به رشد اقتصاد ایران کمک می‌کنند.

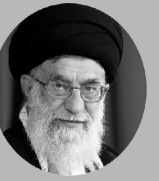
■ سپاه ۲ تیم تروریستی را در غرب کشور منهدم کرد. فرمانده نیروی زمینی سپاه: دو تیم تروریستی از اشرار ضد انقلاب تلاش نافرمانی برای نفوذ به خاک کشورمان داشتند که با رصد اطلاعاتی و شناسایی دقیق محل عبور آنان، رزمندگان قرارگاه حمزه توانستند پس از درگیری در مناطق عمومی سروآباد و اشنویه، این تیم‌های تروریستی را نیز منهدم و ۶ تن از تروریست‌ها را به هلاکت رسانده و ۳ نفر از آنان را زخمی کنند.

مقادیر قابل توجهی سلاح، مهمات و تجهیزات از تروریست‌ها کشف و ضبط گردیده است.

از حالت تدافعی خارج شده و حالت هجومی به خود بگیرند. با توجه به نقش پررنگ عوامل منافقین در حوادث اخیر، دست توانمند جمهوری اسلامی باز است که در هر نقطه از جهان انتقام خون شهدای این حوادث را از سازمان منافقین بگیرد. و اما نکته مهم اینکه نشست آینده در پاریس حتما نشست جهت ارائه گزارش عملکرد به صورت رسمی و تبیین راهبردهای کلان برای اعضا خواهد بود. راهبردی که در آینده نزدیک به یک جنگ اطلاعاتی امنیتی تمام عیار بین سربازان گمنام امام زمان (عج) و تمام سرویس‌های جاسوسی منطقه و فرامنطقه‌ای تبدیل خواهد گشت. بولتون سیاستمداری خشک مغز و خشونت طلب است. او بدون دستکش مخملی و علناً با دست چدنی وارد کارزار شده و در مقابل او، باید از مشیت آهنین نظام استفاده کرد. باید منافقین را از مبدا حرکت به سمت ایران عقیم کرد.

سپرده شد. نمونه‌های عملکردی اخیر این سازمان در ایران، حکایت از فعال شدن شدید منافقین در پروژه‌های عملیاتی سرویس‌های موساد و CIA با هزینه کرد عربستان دارد. آشوب‌های دی ماه که ابتدائاً در حد مطالبه‌های دموکراتیک از دولت بود، بوسیله موج سواری عوامل همین سازمان تبدیل به آشوب‌های خیابانی گردید. نقشه، بسیار پیچیده و خطرناک است. عوامل نفوذی در داخل کشور گسل‌های قومیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فعال می‌کنند. منطقه، هدف شناسایی می‌شود. تیم‌های ترور و آشوب، مدتی قبل وارد شهر مورد نظر می‌شوند و سپس کوچکترین تجمع و یا مطالبه به شدیدترین وجه ممکن به خشونت کشیده می‌شود. بسیار و بازم بسیار لازم است که دستگاه‌های امنیتی کشور در مقابل عوامل این سازمان





..... من تا به حال اصطلاح اقتصاد مقاومتی را از مسئولین شنیده ام، اما منتظر کوچکترین اقدامی هستم.



ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان شرق و غرب به این زودی ها خلاص نخواهیم شد.

تحلیل مهمان (طاها امیری)

تقصیر سینما و رسانه است که تا بگویی «نژادپرست» در ذهن مخاطب، تصویر سفید پوستی نقش می‌بندد که دارد به سیاه پوستی می‌گوید: «کاکا سیاه!» یا تصویر کوک لاس کلان ها که دارند سیاه پوستی را آتش می‌زنند یا از چوبه دار آویزان کردند. تقصیر سینما و رسانه است که تا بگویی فلانی «نژادپرست» است، انتظار دارد قیافه هیپی ها را ببیند؛ ریشهای بلند بافته شده، دماغ های حلقه دار، جلیقه های چرمی، کفش های کابویی ولی نه نژاد پرستی چهره ندارد. نژادپرست کت و شلوار می‌پوشد و اداره می‌رود.

نژادپرست پیژامه به پا دارد و روبروی تلویزیون می‌نشیند. نژادپرست گاهی دکتری فلان علم را دارد. نژادپرست گاهی استاد دانشگاه است. نژادپرست گاهی راننده تاکسی است. نژادپرست آدمی است که زجه های کودک یمنی را می‌بیند و می‌گوید: «اخبار ما فقط شده اخبار عرب ها.» نژادپرست آدمی است که دسته دسته کشته شدن افغان ها را می‌بیند و می‌گوید: «عمری تو مملکت ما خوردن و بردن حالا خبر مرگشون رو هم باید از اخبار بشنویم.» نژادپرست آدمی است که خانه خرابی سوری ها را می‌بیند و می‌گوید: «بدبختی خودمون کم داریم جوون های دسته گلمون رو می‌فرستیم برای اینا بجنگن.»

نژادپرست آدمی است که نزدیک صد سال آوارگی و اسیری ملتی را می‌بیند و می‌گوید: «اینا همونان که خون فرستادیم گفتن مال ایرانیاس نمی‌خوایم!» نژادپرست آدمی است که اگر چند ایرانی به دختر افغانی تعرض کنند، صدایش در نمی‌آید.

نژادپرست آدمی است که یک حمله تروریستی در فرانسه را می‌بیند و می‌گوید: «فرانسه در خاک و خون، تسلیت!»

نژاد پرست آدمی است که بعد خبر انفجار در آمریکا می‌نویسد: «خدایا تا کی خون ریزی و پلیدی...»

نژادپرستی «صورت ندارد. همه موردهایی که گفتم به علاوه تمام نگفته ها، گونه هایی از نژاد پرستی است که شکر خدا از همه این گونه هادر حد صادرات در وطنمان موجود است.

فقط کافیست تا به آن ها اجازه راهپیمایی بدهیم، آن وقت چهره همه شان را خواهیم دید.

آن ها مثل خودمان هستند، فقط مغز ندارند. پی نوشت:

۱. این « کمیته امداد» همان کمیته امداد طرح محسنین است که در برنامه احسان خان پایش اشک ریختید.

این کمیته امداد همان نهادی است که اگر پوشش را بردارد، تازه می فهمید اوضاع مملکت چقدر برای توییته هایتان آماده تر می شود.

۲. نه به کمیته امداد بله به امثال سلبریتی هایبست که هنوز جواب پول های میلیاردی کرمانشاه شما را نداده اند.

۳. کمیته امداد یکی از صادرات فرهنگی و ساختاری انقلاب اسلامی است که در هر کشور مستقل کار می کند.

۴. مستضعفین دست شماها بیفتند، پوست از کله شان می کنید.



پیر مرد نان و ماست خور

به نامه ی گورباچف گوش نداد و تنها گفت این پاسخ من نیست! او مهمانان را ترک کرد.

بیچاره ها آمده بودند تا پیرمرد نان و ماست خوری که استعمار را پیر کرده بود، ببینند و دیدند که او به سنت کتاب مقدس خود، «أَشْدَاءُ عَلَی الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ»، هر چه جز اسلام و مسلمین است را لگدمال و به هیچ حساب کرد.

این، یعنی سیره ی روح الله که سال ها اسلام ناب محمدی را به رخ اسلام آمریکایی کشیده بود. امام(ره) در کمتر از یک ساعت، رنج کوخ نشینان، ساده زیستی میراث داران پیامبر اسلام(ص)، اقتدار برابر کفار و بی اعتنایی به مناسبات خودساخته ی جهانی را در برابر نمایندگان ابرقدرت شرق، به تمام دنیا مخابره کرد.

این، همان مکتبی است که تربیت های غربی را که بنده ی زر و تزویر و

شواردناده «وزیر خارجه ی شوروی» وارد تهران شدند تا با امام خمینی(ره) در جماران دیدار کنند و پاسخ گورباچف را به ایشان برسانند. اوضاع به نحوی که انتظار داشتند، پیش نرفت.

جناب شواردناده دچار سردرگمی شده؛ چراکه از کاخ با شکوه کرملین به یک خانه ی ساده پا گذاشته بود.

وی تمام تشریفات را برای دیدار با رهبر جمهوری اسلامی رعایت کرده اما مجبور بود کفش هایش را در بیاورد؛ با جوراب های نازک خاص دیپلمات ها روی زمین سرد بیت امام راه برود و روی صندلی های چوبی فلزی که روز ها قبل، محافظان امام برای رعایت حال مهمانان اجنبی از این گوشه و آن گوشه جمع کرده بودند، بنشینند. نهایتاً، مردی لاغر اندام و بدون لباس رسمی، عبا و عمامه، مقابل آن ها ظاهر شد و از ایشان استقبالی نکرد. وی حتی کامل

روز یازدهم دی ماه ۱۳۶۷، نخستین روز سال ۱۹۸۹ میلادی، قرار بود کارکنان بیت امام خمینی (ره) که از روز های قبل در تکاپو بودند، شاهد دیداری باشند که بعدها ناظران آن واقعه، از جمله دکتر علی اکبر ولایتی، دکتر ناصر نوبری و محافظان امام به نحوی آن روز را در خاطرات خود ثبت کردند.

ابتدای سال ۱۹۸۹ میلادی، امپراطوری شرق آبستن حوادث متعددی بود. مکتب کمونیسم در سیبری نفس های آخر را می کشید. قریب به شصت روز پیش از سال جدید، روح الله خمینی در نامه ای فروپاشی ابرقدرت شرق را برای گورباچف پیش بینی کرده بود که شاید جز گورباچف، فرد دیگری این سخن را جدی نگرفت.

به همین سبب یازدهم دی ماه سال ۱۳۶۷، هیئت عالی رتبه ای از شوروی به ریاست «ادوارد

جنایت و مکافات: پرل هاربر؛ پرده آخر



بیش تر از سردمداران خود عطش خون داشتند اما واقعیت چه بود؟ واقعیت این بود که ایالات متحده آمریکا از مدت ها قبل در جریان این حمله قرار گرفته بود اما برای متقاعد کردن اذهان عمومی به شرکت در جنگ و خاموش کردن موتور جنگ هیتلر، احتیاج به این قتل عام بود.

پرل هاربر و فاجعه ای که در آن رخ داد، آمریکایی های بی طرف و مخالف جنگ را متقاعد کرد که باید کاری کنند و انتقام هموطنانشان را بگیرند. صف های فشرده جوانان آمریکایی برای اعزام به جبهه، جهان را به تحیر واداشته بود. مردمی که تا قبل از پرل هاربر، حامی بی طرفی بودند، حالا

از وجود ژاپنی ها پاک کرد و ۶۵۰ اسیر ژاپنی را روانه اردوگاه های کار کرد. واقعیت این است که یکی از دکترین های حائز اهمیت در ایالات متحده، بهانه تراشی است. دکترینی که توجیه حمله به ژاپن را پرل هاربر می دانست. اخبار غیر رسمی حکایت از همفکری لندن-واشنگتن داشته اند؛ چراکه چرچیل برای نجات لندن مجبور بود، قوای هیتلر را پراکنده کند و چه بسا با دادن پیروزی هایی سوری و کشتار مردم غیرنظامی، توهم شکست ناپذیری را به او القا کند. پس از پرل هاربر، روسیه و آمریکا بطور رسمی و با تمام قوا وارد جنگ جهانی دوم شدند تا نقشه های نخست وزیر توجو را بر آب بکشند. ادامه دارد...

اخبار سوخته سازمان سیا اعلام می‌دارد که حتی جاسوسان KGB هم از این حمله آگاهی داشتند و این خطر را به گوش کاخ کرملین رسانده بودند. بعد از این فاجعه، آمریکا با حمایت مردمش طرح حمله به ژاپن را کامل کرد و در اولین حمله خود در بعد آبی-خاکی، صخره اوکی نالوا را

در آرزوی اباحی گری هستند، سودای ادغام در این جامعه ی جهانی که برای صدها سال بی اعتنا به رنج مستضعفین است را دارند و در برابر هر قلندری سرخ می کنند، پست تر از ساواکی ها معرفی می کند. به همین جهت است که سخت می توان باور کرد، کسانی که در پر قو بزرگ شده اند و برق تجملات ایشان چشم مستضعفین را کور کرده و کاخ می سازند، یادگاران امام باشند!

خمینی، همان پیرمرد نان و ماست خور بود که اندیشه ی وی، مرزها را بی اعتبار کرد. امروز او در هر جایی که ندای مبارزه با ظلم سر داده می شود، حضور دارد. بیراه نیست که هنوز هم در گوش و کنار آفریقا مردمانی نام پسران خود را خمینی می گذارند. حتی اگر یادگاران ژنتیکی آن امام راحل، کمر به تحریف اندیشه ی او ببندند، به لطف یادگاران ایدئولوژیک وی، راه امام از گزند تحریف در امان خواهد بود. ان شاءالله.

سخن پایانی از سید شهیدان اهل قلم: «گمان ما نبود بعد از تو بمانیم» خمینی، میراث دار همه انبیا و اسباط ایشان بود و داغ او بر دل ما، داغ همه اعصار و داغی بی تسلی. اگر بعد از رحلت رسول الله، ظهر حکومت اسلام به غروب خونین شهادت حسین بن علی انجامید، این بار امام فرصت یافت تا وثیقه حکومت را به معتمدین خویش بسپارد و این خود نشانه ای است بر این بار بشارت که خداوند اراده کرده است تا حزب الله و مستضعفین را به امامت و وراثت زمین برساند.